

- اگر بخواهیم فضای انتخابات مجلس نهم را تحلیل کنیم و مقایسه‌ای با انتخابات قبلی انجام دهیم،

**در حال حاضر در مقایسه انتخابات مجلس هشتم، چه نوع فضای انتخاباتی شکل گرفته است؟**

زیبا کلام: فکر می‌کنم مقایسه میان شرایط و فضای عمومی کشور در حال حاضر که در شهریور ۱۳۹۰ قرار داریم، از هیچ جنبه‌ای با سال ۸۶ قابل قیاس نیست. ما در فاصله سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰، انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دهم را برگزار کردیم که معتقدم همچنان سایه سنگین حوادث و رویدادهای بعد از انتخابات در فضای ایران سنگینی می‌کند. بخشی از جریان سیاسی کشور (اصلاح‌طلبان) یا در زندان هستند یا تشکیلات آنها منحل و غیرقانونی اعلام شده است. بنابراین فضای کلی سیاسی کشور را نمی‌توانیم با سال ۸۶ مقایسه کنیم.

- **یعنی اعتقاد دارید هنوز فضا به اندازه کافی گرم نشده است؟**

زیبا کلام: بله من معتقدم مشکلات و مسائل جدی در کشور به وجود آمده است. معلوم نیست شاید اگر فرصتی داده شود دوباره فوران کنند. البته در شهرستان‌ها و مناطق دوردست، وضعیت قدری فرق می‌کند.

در این حوزه‌ها رقابت‌های محلی و قبیلگی بیشتر تاثیرگذار است تا فضای سیاسی کلی کشور. بنابراین احتمالاً در این حوزه‌ها مشارکت، ۶۰ تا ۸۰ درصدی خواهد بود ولی در شهرستان‌ها و مراکز بزرگ فکر نمی‌کنم ۱۰ تا ۲۰ درصد بیشتر در انتخابات شرکت کنند در حالی که در سال ۸۶ فضا اینقدر دو قطبی نشده بود.

اصلاح‌طلبان و نیروی چپ برخورد نشده بودند و به‌عنوان یک جریان سیاسی وجود داشتند و در انتخابات هم کم و بیش شرکت کردند اما در شرایط فعلی که در این دو سال هربلایی سر ترقی: طبیعی است که حوادث انتخابات ۸۸ عبرت‌های زیادی را برای جامعه ما اعم از روشنفکر، مردم و سیاسیون داشت و نشان داد اگر پذیرای قانون نباشند دشمنان خارجی چه سوءاستفاده‌ای می‌توانند از آنها انجام دهند و منافع ملی را به خطر بیندازند. لذا این حوادث یک تجربه آموزنده را برای عموم مردم ما به همراه داشته که قطعاً در فضای انتخاباتی این دوره تاثیر خواهد گذاشت.

- **آقای ترقی! آیا شما با نظر آقای زیبا کلام موافقید که انتخابات ۸۸ را می‌توان سرفصلی برای حذف آمرانه یا**

**غیرآمرانه اصلاح‌طلبان مطرح کرد؟**

ترقی: نه، ما چنین تصویری نداریم چون فقط عناصر تندرو، ساختارشکن و قانون‌گریز حذف شده‌اند ولی آنهایی که تابع قانون بودند، اعتراضاتشان در چارچوب قانون صورت گرفته است مشکلی ندارند.

حالا اگر بقیه خودشان را حذف شده بپندارند شاید به‌خاطر ذهنیتی است که برای برخی پدید آمده باشد ولی چنین چیزی را در فضای کشور نمی‌بینیم.

- **پیش‌بینی شما این است که مشارکت کم خواهد بود؟**

ترقی: البته الان همان‌طور که آقای زیبا کلام اشاره کردند، ممکن است چنین برداشت‌هایی شود اما مردم ما به‌لحاظ جامعه‌شناسی، عاطفی هستند و دقیقه ۹۰ تصمیم می‌گیرند و ممکن است تمام پیش‌بینی‌های آقای زیبا کلام جور دیگری از کار درآید. بارها مردم ما نشان داده‌اند به‌رغم اینکه خیلی‌ها احساس کرده‌اند مردم در صحنه حضور کمی خواهند داشت، مردم احساس مسوولیت کرده‌اند و حضور پررنگی داشته‌اند.

- اگر بخواهید درباره نرخ مشارکت انتخابات مجلس نهم یک پیش بینی تاریخی! که ما هم در اینجا ثبتش می

کنیم، بدهید، چه خواهید گفت؟

ترقی: تصورم این است که انتخابات سال ۸۸ به لحاظ نوع مسأله‌ای که وجود داشت، قطب‌های مختلف انتخابات آخرین رمق خود را به کار برده بودند و با استفاده از رسانه ملی رقابت سنگین شده بود، مشارکت سنگینی صورت گرفت اما چنین رقابتی الان وجود ندارد و شیوه تبلیغات انتخاباتی ریاست جمهوری و مجلس با یکدیگر فرق دارد. فکر می‌کنم حدود ۶۵ درصد شرکت می‌کنند. زیباکلام: همان طور که قبلاً گفتم، شرایط فرق می‌کند. من البته قبول ندارم ۶۵ تا ۷۰ درصد شرکت می‌کنند. مشارکت خیلی کمتر از این خواهد بود.

- پیش‌بینی دقیق شما چیست؟

زیباکلام: فکر می‌کنم چیزی حدود ۵۰ تا ۵۵ درصد. با توجه به اینکه در مراکز استان‌ها مشارکت ۱۰ درصد خواهد بود که در ترکیب با مناطق دیگر ممکن است به ۵۰ درصد برسد. ترقی: یکسری اشکال ساختاری که به‌طور طبیعی در هر نظامی وجود دارد، داریم. به‌هر حال وقتی در رای تابع اکثریت هستید یکسری اشکالات وجود دارد. مواردی که آقای زیباکلام اشاره می‌کنند ساختاری هستند که در همه نظام‌ها وجود دارد. وقتی در آمریکا رئیس‌جمهور با ۲۵ درصد آرا به‌اینده مردم می‌شود، نمی‌توانیم بگوییم تنها نماینده ۲۵ درصد جامعه است. دموکراسی همین است. وقتی یک انتخابات برگزار می‌کنید و تعدادی شرکت می‌کنند و فردی نماینده می‌شود، کسی که در انتخابات شرکت نکرده است، ضرر می‌کند. یک وقتی الزام است همه آحاد کشور مثل کره شمالی موظف هستند در انتخابات شرکت کنند... مثلاً در ترکیه که یک کشور اسلامی پیشرفته است، بهره‌مندی از بسیاری از حقوق شهروندی منوط به شرکت در انتخابات است. زیباکلام: یک نکته کوتاه بگویم. آقای ترقی درست می‌گویند. بعضاً در دموکراسی‌های توسعه‌یافته ممکن است ۲۰ تا ۳۰ درصد مردم در انتخابات شرکت کنند. نکته بسیار مهم این است ۸۰ یا ۷۰ درصدی که شرکت نکرده‌اند این رای را قبول دارند.

- یعنی دغدغه‌ای ندارند.

زیباکلام: آفرین. سوال این است که آیا ۹۰ درصد مردم تهران که در انتخابات سال ۸۶ شرکت نکردند نتیجه انتخابات را قبول دارند؟ این مسأله مهمی است.

ترقی: این اشکال در دموکراسی پذیرفتن است. یک قشری به جای پذیرفتن نتیجه انتخاباتی، اردو کشی انتخاباتی می‌کنند و همان‌ها مقصر هستند. مقصر نظام نیست. در غرب این رشد و بلوغ سیاسی هست که ولو کسی که در انتخابات شرکت نکرده است، نتیجه را می‌پذیرد ولی در اینجا آنهایی که نتیجه انتخابات را نپذیرفتند، چه کسانی بودند؟ غیر از اصلاح‌طلبان و جریان فتنه بودند؟ هر وقت حتی وقتی دوم خردادی‌ها رای آوردند، آن سو پذیرفته است.

زیباکلام: بله. ما نمی‌خواهیم بحث کنیم که آمریکایی‌ها چگونه هستند و ایرانی‌ها چگونه. من فقط خواستم این توجه را بدهم که اگر کسی در آمریکا در انتخابات شرکت نمی‌کند با کسی که در ایران شرکت نمی‌کند، معنای خیلی متفاوتی می‌دهد.

- ولی اثبات پذیر هم نیست.

ترقی: به‌هر حال الزام دموکراسی پذیرفتن نتیجه انتخابات است. اگر این الزام را قبول نداشته باشیم دیگر دموکراسی را قبول نداریم. دیگر نمی‌توانیم شعار دموکراسی بدهیم و از طرف دیگر بگوییم نتیجه را قبول ندارم.

## - آیا شما قبول دارید برای سامان انتخابات، بهره‌مندی از حقوق شهروندی به شرکت در انتخابات منوط شود؟

ترقی: اگر این کار را با یک حرکت فرهنگی همراه کنیم و جامعه به باور برسد که باید در تعیین سرنوشت سهیم باشد، کار ارزشمندی است اما اینکه الزام کنیم به اینکه خدمات را تنها به کسی بدهیم که چنین مشارکتی داشته باشد شاید از باب معیارهای اسلامی که جامعه باید به آحاد مردم سرویس بدهد، درست نباشد.

زیباکلام: شما اگر واقعا دغدغه شرکت مردم را در انتخابات دارید، احتیاجی نیست که خودتان را به زحمت بیندازید و بگویید چه کسی در شناسنامه‌اش مهر خورده و بالعکس. اگر فضای انتخابات جوری باشد که مردم احساس کنند انتخابات واقعی و در سرنوشت سیاسی کشور تاثیرگذار است، مردم شرکت می‌کنند.

چرا مردم در انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ شرکت کردند؟ برای اینکه آحاد مردم احساس می‌کردند انتخابات صوری نیست. میرحسین موسوی، دکتر احمدی‌نژاد، محسن رضایی و مهدی کروبی به‌عنوان نامزد جدی مطرح شده بودند.

بله.

## - بحث ما این است برای اینکه این شکاف ترمیم شود منوط کردن انتخابات به حقوق شهروندی خوب است و

### این می‌تواند رفتار سیاسی را عوض کند.

زیباکلام: اگر انتخابات را به حقوق شهروندی منوط کنید باعث می‌شود مردم به تقلب روی بیاورند یعنی بازهم در انتخابات شرکت نمی‌کنند مثلا ممکن است مهر را در شناسنامه‌شان جعل کنند.

حرف من این است که به واقعیت‌های جامعه‌تان عمیق‌تر نگاه کنید و ببینید چرا در شهری مثل تهران که بیشتر مردم تحصیلکرده هستند، خیلی از مردم در انتخابات شرکت نمی‌کنند ولی در روستایی که انتخابات بین حیدری‌ها و موسوی‌هاست، مردم شرکت می‌کنند چون رقابت محلی است. من اگر جای شما بودم کمی فکر می‌کردم که نخبگان سیاسی، نویسندگان، دانشجویان و افراد تحصیلکرده چرا به ساختار سیاسی پشت کرده‌اند.

### - این موضوع جالبی نیست.

ترقی: جناب آقای زیباکلام همیشه همین عینک را دارند. واقعا شناخت جامعه نیازمند یک مقدار خارج شدن از ذهنیت مطلق است که امثال آقای زیباکلام دارند. این چیزهایی که ایشان می‌گویند با واقعیات جامعه فاصله دارد، تا وقتی که ایشان این ذهنیت را داشته باشند همیشه برداششان از جامعه همین است. باید بپذیریم قشری از آحاد جامعه بی‌تفاوت هستند و به فکر سرنوشت خودشان نیستند.

## - البته قشری هم که آقای زیباکلام اشاره کردند، هم وجود دارند، ولی به نظرم در مورد تعدادشان اغراق می

### شود.

ترقی: بله. طبیعی است که یکسری مخالف هستند.

### - ولی این دو قشر را نمی‌توان مثل هم دانست.

ترقی: درسته نمی‌توان هر دو آنها را نخبه دانست. روز قدس جمعیت در خیابان‌ها بود. در اتوبوس نشسته بودم. نفر بغلی من می‌گفت مردم برای چه به خیابان‌ها آمده‌اند؟ اصلا خبر نداشت ماجرا از چه قرار است. این فرد اصلا اهمیتی برایش ندارد که در انتخابات شرکت کند. نمی‌توانیم او را نخبه بدانیم.

## - البته جزء نخبه‌ها هم هستند کسانی که در انتخابات شرکت نمی‌کنند.

ترقی: بله اما آقای زیباکلام این افراد را نمی‌بینند و می‌گویند نخبگان. اگر اینها نخبه هستند دلشان به حال مملکت می‌سوزد، احساس مسوولیت می‌کنند و به انتخابات می‌آیند.

زیباکلام: وقتی نامزد من را رد صلاحیت می‌کنید چگونه در انتخابات شرکت کنم؟

ترقی: شاید شما خواستید به کارتر رای بدهید. اگر او نمی‌تواند در اینجا نامزد شود، مشکل نظام چیست؟

زیباکلام: وقتی اینطور می‌شود، به من می‌گویند به مملکت علاقه‌ای نداری که در انتخابات شرکت نمی‌کنی.

ترقی: شما باید از کسی حمایت کنید که در چارچوب قانون اساسی بتواند حرکت کند و بتوان سکون کشور را به او داد. قانون توسط نماینده‌ها تصویب شده است. شورای نگهبان که دل‌بخواهی کسی را رد صلاحیت نمی‌کند.

### - آیا شما قائل هستید که شورای نگهبان مانعی برای مشارکت حداکثری است؟

ترقی: نه، مانع مشارکت حداکثری نیست. وظیفه شورای نگهبان براساس قانون اساسی تحقق مردم‌سالاری دینی است نه مردم‌سالاری صرف.

یعنی شورای نگهبان مسوول دینی کردن انتخابات است؟

ترقی: بله. وگرنه ما برای غیر از این که انقلاب نکرده‌ایم. انقلاب کردیم که انتخابات را به دست مردم بسپاریم ولو اینکه نتیجه آن خلاف اسلام باشد؟ کجای قانون اساسی به ما چنین اجازه‌ای داده است؟ ۹۸ درصد مردم رای داده‌اند که این نظام در چارچوب اسلام پیش برود.

### - یعنی شما انتخابات را اینطور تحلیل می‌کنید که ممکن است به سکولاریسم هم منتهی شود؟

ترقی: طبیعتاً. همین اصلاح‌طلب‌ها تمام همشان این است که انتخابات منجر به سکولاریسم شود. این حرف‌هایی که آقای زیباکلام می‌زنند این است که شورای نگهبان هیچ دید اسلامی به انتخابات نداشته باشند

حکومت دینی است و با سیاست پیوند خورده است.

زیباکلام: از منظر شورای نگهبان.

ترقی: این یک اتهام است. شما بر چه اساسی می‌گویید شورای نگهبان این‌گونه عمل می‌کند. شورای نگهبان دارد قانون را اعمال می‌کند. در قانون گفته است کسی که وابسته به رژیم سابق، گروه‌ها و تشکل‌های ضدنظام باشد، نمی‌تواند نامزد شود. شورای نگهبان در کجا به‌خاطر سلیقه خودش عمل کرده است؟

### - سیاست و حکومت در ایران به هم پیوسته است و انقلاب ۵۷ هم محصول همین موضوع است. به نظر من

### مسئله‌ای که آقای زیباکلام می‌گویند اثبات پذیر نیست.

زیباکلام: شما می‌توانید تمام حرف‌های من را مهر اثبات‌ناپذیر بودن بزنید. من می‌گویم گناه ما بی‌دینی یا انحراف از شریعت نیست. تلقی از دین در ایران حداقلی و حداکثری است. آدمی که مذهب بی‌است دین را با سیاست ممزوج می‌بیند. کسی که به روحانی محله‌اش وجوهاتی می‌دهد اگر روحانی بگوید فلانی بی‌دین است قبول می‌کند. اکثریت جامعه ما این‌گونه است.

زیباکلام: وقتی شورای نگهبان قصد دارد من را تعیین صلاحیت کند خیلی به دین من کاری ندارد. به رفتار سیاسی من نگاه می‌کند.

### - وقتی سیاست و مذهب با یکدیگر ممزوج است پس وقتی شما رفتار سیاسی نامطلوب داشته باشید به بی‌دینی

### مترجم می‌شوید.

زیباکلام: خیلی از کسانی که از جانب شورای نگهبان رد صلاحیت می‌شوند ای بسا دیندارتر از کسانی باشند که از سوی شورای نگهبان تایید صلاحیت می‌شوند.

### - این بحث احساسی است.

ترقی: ممکن است چنین هم باشد مثلا فردی دیندار باشد اما اختلاس کرده باشد.

یک بحث ما دین فقهی است اما بحثی که آقای زیباکلام می‌کنند این است که وقتی در جامعه ما دین سیاسی حاکم است احتمالا رفتارها را هم با همان دین سیاسی می‌سنجیم.

زیباکلام: من هم قبول دارم. حکومت یک چارچوب ایجاد کرده و می‌گوید هر کسی از این چارچوب سالم عبور کند، متدین است. ترقی: اگر این‌گونه بود شورای نگهبان آقای موسوی را تایید نمی‌کرد. شورای نگهبان مجلس ششمی‌هایی را تایید کرد که بعدا اعتصاب کردند. ترقی: اگر شورای نگهبان در تمام این مدت فقط اصولگرایان را تایید می‌کرد حرف شما درست بود اما در مجلس ششم چه کسانی بودند؟ حتی در مجلس پنجم صلاحیت عزت‌الله سبحانی و ابراهیم یزدی هم تایید شد. تا سال ۷۷ شورای نگهبان به تعبیری می‌توانست سرنوشت انتخابات را تعیین کند ولی در فرآیندی که بعدها شروع شد، آن شائبه نقش آفرینی حداکثری شورای نگهبان کم‌رنگ‌تر شد. این هم از القانات روزنامه‌های دوم خرداد بود البته! ولی الان ائتلاف‌های اصولگراها و لابی احزاب است که مسیر انتخابات را ترسیم می‌کند. اصلاح‌طلبان هم هیچ وقت صددرصد رداصلاحیت نشدند برای اینکه نظام در استراتژی کلی‌اش تصمیم می‌گیرد این طیف هم در انتخابات حضور داشته باشند. ترقی: همیشه رای با مردم بوده است.

زیباکلام: همه حرف من این است که پای دین را اینقدر وسط نکشید. پس نظام تعیین می‌کند که اصلاح‌طلبان باشند. ترقی: حکومت دینی است و به اکثریت مذهبی جامعه متکی است. با این اوصاف نمی‌توان گفت معیارهای حکومت دینی نیست. اتفاقا شورای نگهبان براساس اصول دینی این کار را می‌کند که مورد تایید اکثر مردم هم هست. زیباکلام: شما اینها را برای خودتان می‌چینید. چه کسی گفته است معرفت دینی حکومت مورد تایید اکثریت مردم است. الان معرفت دینی مردم از روحانیون کوچک و بازار نشات می‌گیرد یا از سروش و ...؟ کسی که مذهبی است دینش را از روحانی محل، تلویزیون و تریبون های رسمی می‌گیرد. این ها یک سابقه هزارساله دارند و در پیوند مستقیم با مردم هستند، غیر از این است؟

**- به هر حال انتخابات ریاست جمهوری و مجلس با هم فرق دارند. از این بحث بگذریم. فکر می‌کنید گفتمان‌های**

**غایبی که الان باید وجود داشته باشند، کدام هستند؟**

ترقی: گفتمان‌ها در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری باهم فرق دارند. باید سعی کنیم گفتمان‌ها را متناسب با ماموریت منتخبین تعریف کنیم. در گفتمان مجلس با توجه به اینکه مطالبات مردم در شهرستان‌ها متفاوت هستند و مردم هنوز دیدگاه‌های خاصی به مجلس دارند طبیعتا باید یک گفتمان عام داشته باشیم و یک گفتمان خاص. آنچه الان به عنوان خلا حس می‌شود بحث بی‌برنامه بودن مجلس است.

**- این آفت از اول بوده است؟**

ترقی: بله. مجلس باید برنامه داشته باشد حالا این شعارها یا قانونی می‌شود یا نه. باید ببینیم اهالی مجلس وقتی دورهم جمع می‌شوند می‌خواهند چه کاری انجام دهند. در واقع خلا اصلی ما همین بی‌برنامگی است. احزاب ما به لحاظ جایگاه سیاسی نقش پررنگی در انتخاب‌ها ندارند تا بتوانند برنامه‌ای را برای انتخابات ارائه دهند.

**- پس شما حزبی نبودن انتخابات مجلس را نقطه ضعف می‌دانید؟**

ترقی: بله. این موضوع باعث می‌شود وقتی نماینده‌ها به مجلس می‌روند مثل دانه‌های شن از هم جدا شوند. اگر بخواهیم اینها را به هم پیوند دهیم تا یک برنامه داشته باشند حداقل دو سال از وقت مجلس گذشته است. درحالی‌که مگر ما باید در یک کشور کارخانه قانون گذاری راه بیندازیم که هر روز یک قانون وضع کنیم؟ این درست نیست.

آقای زیباکلام شما این بحث را قبول دارید؟

زیباکلام: من با آقای ترقی همراهی می‌کنم و معتقدم بزرگ‌ترین معضل مجلس و اساس ساختار سیاسی کشور فقدان احزاب و تشکل‌های سیاسی ریشه‌دار است. یکی از بزرگ‌ترین دلایلی که در طول تاریخ احزاب نتوانسته‌اند در ایران به طور تاریخی ریشه‌دار شوند، استبداد حکومتی بوده است.

اما مثال نقض آن حزب جمهوری اسلامی است.

زیباکلام: من تنها یکی از دلایل را گفتم. حزبی مثل مشارکت غیرقانونی اعلام شده است، سازمان مجاهدین انقلاب و دفتر تحکیم وحدت هم همین‌طور.

زیباکلام: دلیل دوم این است که احزاب در جوامع توسعه یافته براساس اقشار و لایه‌های اجتماعی مختلف و متضاد تشکیل می‌شوند مثل احزاب چپ در جوامع غربی که متشکل از کارگردان و طبقات متوسط هستند.

اما از طرف دیگر ما در ایران نهاد بزرگی به اسم اقتصاد دولتی داشتیم. خود دولت تولید، توزیع، خریدار و فروشنده بوده است. برای همین هم هست که الان بانک خصوصی، راه آهن خصوصی، هواپیمایی خصوصی و... نداریم. در ایران اقتصاد، دولتی است.

اقتصاد دولتی نمی‌گذارد اقشار و لایه‌های مختلف و متضاد به طور مستقل حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیدا کنند. تا زمانی که اقتصاد دست دولت است احزاب و تشکل‌های سیاسی مستقل از دولت نمی‌توانند خیلی نهادینه شوند. این دلیل دوم برای شکل نگرفتن احزاب بوده است. حزب جمهوری اسلامی منحل شد چون مولفه یک حزب در جامعه پایگاه طبقاتی‌اش است.

پس اگر می‌خواهید تحزب در جامعه به‌وجود بیاید باید شرایط اقتصادی به‌وجود بیاورید که مهم‌ترین آن غیردولتی بودن اقتصاد است. در ضمن حکومت باید به احزاب به عنوان دشمن یا رقیب نگاه نکند.

ترقی: اولاً در ارزیابی در مورد این مساله نباید وضعیت قبل از انقلاب را با بعد از انقلاب مقایسه کنیم. چرا؟

ترقی: وارد کردن اتهام به نظام و این استدلال که چون استبداد بوده است احزاب در ایران نتوانسته‌اند رشد کنند، درست نیست. اینجور قضاوت نسبت به کشور هیچ‌وقت مشکل را حل نمی‌کند.

ما یکسری رسوبات گذشته در کشورمان داریم که نباید در تمام موارد دولت را مقصر بدانیم. در حکومت شاه و قاجار احزابی داشتیم منتها باید ببینیم چقدر از آنها برای مردم کار کرده‌اند. نباید تقصیر خود احزاب را نادیده بگیریم و بگوییم شکل نگرفتن احزاب در کشور تقصیر حکام بوده است. ممکن است حکومتی هم نظر مثبتی نسبت به احزاب نداشته باشد اما در قانون اساسی کشور در مورد احزاب قانون داریم.

### - به‌نظر تان الان فضای مناسبی برای فعالیت احزاب در کشور فراهم است؟

ترقی: نه.

### - از سوی حکومت چطور؟

ترقی: از سوی حکومت منعی وجود ندارد. در قانون اساسی آمده است نمی‌توان کسی را از ممانعت در حزبی منع کرد الا اینکه آن حزب مخل بر مبانی اسلام و نظام باشد. بر همین اساس باید احزاب را از قانون اساسی مطالبه و اگر اشکالی وجود دارد، رفع کنیم.

### - آیا به نظر شما اشکال‌هایی به قانون احزاب و نوع نگرش به احزاب در قانون اساسی وجود دارد؟

ترقی: بله. منتها در دهه اول انقلاب که قانون اساسی تدوین می‌شد کسی خاطره خوشی از حزب در کشور نداشت.

### - ولی الان ضرورت تشکیل حزب وجود دارد.

ترقی: ببینید یکسری احزاب توسط دولت‌ها مثل کارگزاران یا مشارکت تاسیس شده‌اند و الان هم جریان انحرافی را دولت ساخته است. کدام یک از اینها به نفع مردم کار کرده‌اند؟

### - عبارت منافع مردم از جملات غیرقابل اثبات است. آیا حزب باید نماینده طبقه‌ای از مردم باشد؟

ترقی: اصلا حزب ربطی به طبقه ندارد. اولاً حزب باید براساس هدف و آرمان مشخصی افراد را دور خودش جمع کند. این هدف در قشر کاسب، نخبه و زنان و مردان هست و نیاز نیست همه آنها از یک طبقه خاصی باشند اینک خواستگاه احزاب را طبقاتی بدانیم، خب بله صنفها هستند مثل صنف درودگر، طلافروش و... اینها خواستگاه صنفی دارند اما وقتی خواستگاه‌ها ملی شوند دلیلی وجود ندارد که از یک طبقه باشند. با این اوصاف چرا حزب جمهوری اسلامی نتوانست به سرانجام برسد؟

ترقی: ما در یک مرحله باید مشخص کنیم حزب در اداره یک کشور تا چه حد می‌تواند پیش برود. طبق قانون اساسی ما نمی‌توانیم حزب را تا مرحله سیاست‌گذاری جلو ببریم.

### - این بد است یا خوب؟

ترقی: خوب است. چون الگویی که برای تحزب در نظام اسلامی طراحی می‌کنیم باید الگویی باشد که درحال نظام سازی باشد یعنی الگوی اول انقلاب با الان تفاوت پیدا می‌کند.

پس ضرورت بازسازی وجود دارد؟

ترقی: بله. ما باید متناسب با شرایط روز و توسعه یافتگی و فرهنگ تحزب در کشور میدان را به احزاب واگذار کنیم منتها این احزاب هستند که باید لیاقت خود را نشان بدهند.

پس باید تعریف کنیم که انتخابات ریاست جمهوری هم حزبی صورت بگیرد؟

ترقی: عیب ندارد منتها در صورتی که ما به این توسعه یافتگی برسیم. نه اینکه دولت تشکیل بدهیم، یک حزب شکل بگیرد و حزب دنبال پست و مقام برود. این رفتارها مردم را زده می‌کند اما اگر حزب مطالبات مردم را شناخت...

این مطالبات می‌تواند الزاما اقتصادی نباشد.

ترقی: بله. مطالبات عام هستند.

### - آیا باید به خواسته‌ها و مطالبات یک طبقه از مردم معطوف شود؟

ترقی: نه.

چرا؟

ترقی: چون این کار یک تشکل صنفی است.

ممکن است مطالبات اقتصادی یک طبقه از مردم باشد.

ترقی: عیب ندارد. الان هم هست مثلا جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف مطالبات صنفی را دنبال می‌کند. اگر اصناف اعتصاب می‌کنند با آنها صحبت می‌کنند و...

### - انجمن‌ها که جزو اصناف نیستند. مگر دانشجویان جزو صنف هستند؟

ترقی: وقتی دانشجویان انجمن اسلامی دارند مگر چه کار می‌کنند؟

### - نخبه‌های سیاسی مگر صنف دارند؟

ترقی: می‌توانیم پایگاه صنفی را لحاظ کنیم، منتها تشکل صنفی است اما حزبی که فراگیر است، نمی‌تواند خواستگاه طبقاتی داشته باشد.

نمی‌تواند یا نباید خواستگاه طبقاتی داشته باشد؟

ترقی: نباید خواستگاه طبقاتی داشته باشد. ما احزاب فراگیر در کشور خیلی کم داریم. قبلا یک حزب جمهوری اسلامی بود و الان هم از عمده احزاب این شکلی فقط متلفه است.

برویم سراغ این بحث که چرا احزاب در کشور ما ناموفق بودند. شما به عنوان کسی که در دفتر حزب جمهوری اسلامی نیز بودید، با توجه به زمانی که گذشته است، فکر می‌کنید چرا با وجود عضو بودن خیلی از مسوولان درجه اول کشور در این حزب، چنین نهادی به سامان نرسید؟  
ترقی: علت اصلی این بود که دولت آقای موسوی در آن زمان حاضر به پذیرش نظرات حزب در دولت خود نبود. دولتی بود که نمی‌خواست حزب ناظر بر کارش باشد.

### - خود را نماینده حزب نمی‌دانست؟

ترقی: او از درون حزب رفته بود اما حاضر نشد نظارت حزب و نظرات شورای مرکزی را بپذیرد.

### - یک مثال می‌توانید بزنید؟

ترقی: در مورد تمام وزارایش در شورای مرکزی حزب بحث شد اما هیچ کدام از مواردی را که مطرح شده بود، نپذیرفت. فقط نظرات خود را قبول کرد. بارها در جلسه شورای مرکزی حزب با او اختلاف نظر پیدا شد.

### - چرا نظرات را قبول نمی‌کرد؟

ترقی: برای اینکه دیدگاه او دولت سالاری بود. همانطور که او دولت را مسلط بر همه چیز کرد. همان اشکالی که آقای زیباکلام از اقتصاد دولتی می‌گیرند، اشکالی بود که در زمان میرحسین موسوی اقتصاد مملکت دولتی شد.

پس اصل کار به خاطر فراگیر بودن حزب نبود؟

ترقی: نخیر. دولت حاضر به پذیرش نظارت حزب بر عملکردش نبود.

تنها حزب موفق تا به حال مولفه است؟

ترقی: بله.

زیباکلام: به نظر من بی‌صدافتی در تحلیل سیاسی است که اگر حزب جمهوری اسلامی با شکست مواجه شده، تقصیر میرحسین موسوی بوده است برای اینکه موسوی را می‌توانستند از حزب کنار بگذارند. حزب دچار مشکلات بنیادی بود. با کلیات نمی‌شود حزب و تشکل سیاسی تاسیس کرد. الان من و آقای ترقی هم می‌توانیم حزب تشکیل دهیم منتها در کلیات.

ترقی: حزب جمهوری اسلامی تنها حزبی بود که مواضع مشخص اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داشت. خود من یک سال از مشهد به تهران می‌آمدم تا پای درس کلاس‌های شهید بهشتی، با هنر و... باشم. تنها حزبی بود که مواضعش در بعد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مشخص بود و همه هم تابع آن بودند.

زیباکلام: اما آن مواضع خیلی کلی و عام بودند و با آنها نمی‌شد برنامه‌ریزی سیاسی یا اقتصادی کرد. حزب یک جناح چپ داشت که شامل میرحسین موسوی و حسین کمالی بود. یک جناح راست هم داشت که متلفه و بازار بودند و هاشمی رفسنجانی در این میان سعی می‌کرد این دو تکه از هم گریز را حفظ کند.

ترقی: تا قبل از تشکیل دولت آقای موسوی ما اصلا چپ و راستی در حزب نداشتیم. موسوی که به دولت رفت چنین مساله‌ای پیش آمد. بنده از روز اول در حزب بودم.

زیباکلام: این هم دلیل واضحی دارد. تا وقتی اصولگرایان داشتند با اصلاح طلبان مبارزه می کردند مشکلی پیش نیامد. روزی که اصلاح طلبان و هاشمی رفسنجانی را کنار گذاشتند آن وقت دچار انشعاب شدند. یک گروهی از آنها انحرافی و گروه دیگر اصولگرایان سنتی شدند. ترقی: اول اصلاح طلبان آقای هاشمی را زدند.

زیباکلام: بله و شما هم تکمیلش کردید. اگر میرحسین موسوی و کس دیگری از حزب نخست وزیر نشده بود و مدیریت اجرایی کشور را در دست نگرفته بود، ممکن بود حزب جمهوری اسلامی می ماند.

اتفاقا در این مورد آقای ترقی درست می گویند. اما من خیلی دوست دارم بدانم روزی که رئیس جمهور همراه موتلفه باشد، آن وقت این حزب برای سیاست خارجی چه برنامه ای دارد، در مورد بحث هسته ای و یارانه ها می خواهد چه کار کند؟ حزب باید مجموعه ای باشد که در مورد مسائل کلی و کلان نظر یکسانی داشته باشد.

فقط یکی از موضوعها، مولفه های اقتصادی و پایگاه طبقاتی است که موجب جمع شدن افراد در حزب می شود. اتفاقا در تایید حرف شما و آقای ترقی می گویم اقتصاد، یکی از مولفه هایی است که انسان ها را به هم نزدیک می کند.

به جز اقتصاد هزار و یک نکته دیگر هم هست که افراد در حزب کنار هم می آیند. اشکالی که در حزب جمهوری اسلامی وجود داشت این بود که چون حکومت با این حزب همراه بود، باید سیاست گذاری می کرد و در خیلی از جهات مثل جنگ، سیاست خارجی، داشتن یا نداشتن رابطه با آمریکا و قانون کار یک نگاه واحد وجود نداشت. نگاه های مختلف و بعضا متضاد داشتیم.

ترقی: حزب جمهوری اسلامی اصلا فرصت چنین چیزی را در نظام پیدا نکرد. ابتدا که دوره نخست وزیری شهید رجایی بود، حزب از او دفاع کرد و مدت ها مشکل درگیری با بنی صدر را داشتیم. او با اصل نظام ولی فقیه مخالف بود و می خواست همه اختیارات را در دست خودش داشته باشد در حالی که اختیارات دست دولت بود. بیشتر وقت حزب صرف این مساله شد.

بعد از آن از عدم کفایت بنی صدر صادر شد و دولت شهید رجایی و باهنر تشکیل شد که می خواست متناسب با نظرات حزب باشد اما آنها نیز به شهادت رسیدند. بعد از آن دبیرکل حزب، رئیس جمهور و نخست وزیر یکی از اعضای دفتر سیاسی حزب بود این مشکلات به مرور در درون حزب خودش را نشان دادند و گرنه اینگونه نبود که نظرات افراد اینقدر با هم فاصله داشته باشند.

اگر الان دوباره حزب جمهوری اسلامی بخواهد شکل بگیرد، موتلفه حاضر است درون این حزب ادغام بشود؟

ترقی: در آن زمان در راس حزب جمهوری اسلامی شخصیت هایی بودند که حزب موتلفه آنها را جزو ارکان خودش قرار داده بود اما الان این افراد نیستند.

### - اگر حزبی با کلیات جمهوری اسلامی باشد چطور؟

ترقی: طبیعتا بله. ما اعتقادمان براین است حزب قوی لنگرداری که ریشه مردمی داشته باشد، حاضر هستیم. اعتقادمان براین است که به جای این همه حزب های بی ریشه حداقل چند حزب ریشه دار شکل بگیرد...

### - آقای زیباکلام شما هم موافق هستید به جای حزب های گوناگون چند حزب قوی وجود داشته باشد؟

زیباکلام: شما نمی توانید تصمیم بگیرید احزاب باشند یا بی ریشه ها بروند. در شرایط فعلی حزب های ریشه دار نمی توانند پابگیرند برای اینکه حکومت آنها را نابود می کند... البته تشکیل مجدد حزب جمهوری هم قابل تامل است.

دوباره وارد فضای انتخابات مجلس برویم. وحدت اصولگرایان یکی از اتفاق های مجلس نهم است. اول فکر می کنید رقابت اصلی میان

اصولگرایان، اصولگرایان و اصلاح طلبان یا سه قطب شامل اصولگرایان، اصلاح طلبان و جریان انحرافی خواهد بود؟

ترقی: به نظر من رقابت سه قطبی است: جریان آقای مشایی، اصولگرایان و اصلاح طلبانی که با محوریت آقای هاشمی وارد عرصه می شوند.

## - یعنی از اصولگرایان یک لیست ۸+۷ بیرون می‌آید؟

ترقی: بله.

زیباکلام: من اواخر سال ۸۸ یک مصاحبه مفصل کردم و گفتم عرصه سیاسی کشور در کوتاه مدت و ظرف چند سال آینده دست اصولگرایان خواهد بود. اصلاح طلبان هیچ محلی از اعراب ندارند.

بنابراین عرصه سیاسی کشور دست اصولگرایان خواهد بود. البته هنوز داستان انحراف و جریان آقای مشایی راه نیفتاده بود. در همان مصاحبه گفتم اصولگرایان چه بخواهند چه نخواهند به دو بخش تقسیم می‌شوند.

یک بخش به فراکسیونی که نامش را فراکسیون احمدی نژاد \_رحیم مشایی گذاشته‌ام و یک فراکسیون دیگر سنتی که دربرگیرنده روحانیت مبارز، مولفه و جامعین است. در این مصاحبه پیش‌بینی کرده بودم در این عرصه رقابت احمدی نژاد جلو خواهد افتاد.

## - اخیراً هم دوباره گفتید.

زیباکلام: بله. برای اینکه معتقد هستم بخش سنتی اصولگرایان مدت‌ها ست که پایگاه مردمی خود را از دست داده است. پایگاه مردمی‌اش همان رای‌ی است که مردم در اسفند ۸۶ به آنها دادند.

یعنی فکر می‌کنید پایگاه‌شان را از دست داده‌اند؟

زیباکلام: بله. اما فراکسیون احمدی نژاد و مشایی به تدریج خودشان را خیلی بیشتر از اصولگرایان سنتی جدا خواهند کرد و یکجورهایی به مردم خواهند گفت که با اصولگرایان سنتی نیستند.

ترقی: پس همین سه قطبی که من گفتم می‌شود.

## - یعنی طیف اصولگرایان ۸+۷؟

ترقی: تقریباً.

زیباکلام: پس سه قطب نیست چون یکی از قطب‌ها معلوم نیست در انتخابات شرکت کند یا نه. تا بدینجا آنچه می‌توانیم قرص و محکم بگوییم این است که انتخابات میان اصولگرایان و مشایی \_ احمدی نژاد خواهد بود.

اینکه کدام‌یک پیروز شوند در حال حاضر سخت است. فروردین یا اسفند گذشته راحت‌تر بود چون تضاد میان آنها بوجود نیامده بود ولی الان آقای ترقی گارد گرفته و مواظب است. الان آقای ترقی از تمام امکاناتی که دارد از نظارت استصوابی و.و.را استفاده می‌کند تا جلوی پیروزی رقیب را بگیرد ولی آنها درست است که امکانات آقای ترقی را ندارند اما فرمانداری و وزارت کشور را دارند.

آنها ماشین حکومتی را دارند که دست آقای ترقی کمی از آن کوتاه شده است چون شما از من عدد و رقم می‌خواهید فکر می‌کنم حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نماینده از فراکسیون احمدی نژاد \_ مشایی خواهند توانست به مجلس بروند البته اگر میزان مخالفت و درگیری با آنها در همین حد باشد اما اگر درگیری بیشتر از این باشد و طرفداران این طیف رصلاحت شوند، نمی‌توانند نماینده‌های زیادی درون مجلس بفرستند. طیف ۸+۷ هم در بهترین حالت حدود ۱۰۰ نماینده خواهد داشت. نگاه سیاسی مابقی هم خیلی معلوم نیست.

طیف دیگری که در آستانه انتخابات نهم شکل گرفته، پایداری است که خود را حامی گفتمان احمدی نژاد و به قول خودش جزو اخراجی‌های دولت می‌داند. در فضای فعلی فکر می‌کنید چه زمینه‌هایی باعث شکل‌گیری جبهه پایداری شد؟

ترقی: ما با جبهه پایداری مشکل خاصی نداریم.

## - یعنی مشکل گفتمانی ندارید؟

ترقی:نه. البته یک مشکل میان دو طیف وجود دارد که آن هم موضوع آقای هاشمی است. آنها احساس می کنند گرایشانی در برخی از سنتی ها نسبت به آقای هاشمی وجود دارد و آن گرایش ها را برای وحدت اصولگرایان مضر می بینند. برخی از سنتی ها هم عقیده دارند اولاً چنین گرایشی نیست اگر هم وجود داشته مربوط به گذشته بوده است و الان ضرورتی به این گرایش وجود ندارد

آقای هاشمی به هر حال هیچ رابطه تشکیلاتی با سنتی ها به آن معنا ندارد البته تمایلاتی در برخی از اشخاص وجود دارد که به خاطر مصالح نظام و... است اما در حوزه عمل، رفتار آقای هاشمی بیشتر به نفع اصلاح طلبان است.

برخی از افراد پایداری، اعضای سنتی را به سکوت در مقابل فتنه متهم می کنند.

ترقی: البته این هم اشکالی است که ممکن است وارد باشد اما اینکه واقعا به این دلیل آنها را از جرگه اصولگرایی خارج کنیم یک منطقی است که دوستان جبهه پایداری دارند و باید استدلال شود. هنوز جای بحث و تبادل نظر وجود دارد.

در نهایت جبهه پایداری در ائتلاف ۸+۷ ادغام می شود؟

تصور نمی کنم به اختلافی تحت عنوان دو لیست منجر شود ولو اینکه سخت است طرفین نقطه نظرات را بهم نزدیک کنند.

توقی: ما معتقد هستیم با توجه به اینکه الان یک رهبری واحدی برای اصلاح طلبان وجود ندارد اختلاف نظر برای حضور در عرصه سیاسی زیاد است و اکثریت احزاب اصلاح طلب که مشکل جریان فتنه را ندارند، نمی خواهند خودشان را منزوی کنند. پس به عنوان رقیب جدی وارد عمل شده اند و نامزدهایشان را مشخص کرده اند.

### - یعنی ورودشان باعث اتحاد اصولگرایان خواهد شد؟

ترقی: قطعاً بله. تحلیل اصولگرایان این نیست که اصلاح طلبان را حذف شده فرض کنیم. یک چنین تحلیلی اصلاً وجود ندارد و آنها را کاملاً فعال و جدی در عرصه انتخابات می دانند و با همین اعتقاد در عرصه انتخابات حاضر هستند.

برای همین رقابت سه قطبی در انتخابات وجود دارد. طیف آقای مشایی کار خود را انجام داده و یک رقیب جدی است ولی جبهه پایداری را جدای از اصولگرایان نمی بینیم. آنها جوان هایی هستند که از دامن همین اصولگرایان وارد مدیریت و اجرا شده اند و جای نگرانی وجود ندارد.

لذا فکر می کنم مجلس نهم با یک اقلیتی از طیف مشایی و اصلاح طلبان و اکثریتی از اصولگرایان شکل می گیرد و روند انقلاب براساس آنچه برای نظام سازی ترسیم شده، پیش می رود. حضور مردم هم قابل قبول خواهد بود.

زیباکلام: من فکر می کنم اصلاح طلبان در مجلس حضور نخواهند داشت. مشکل آنها این است که اگر خیلی جدی اصلاح طلب باشند رد صلاحیت می شوند. اگر جدی اصلاح طلب نباشند هم رای نمی آورند. البته ممکن است عده ای که به عنوان اصلاح طلب واقعی شناخته نمی شوند، در انتخابات شرکت کنند ممکن است این افراد مورد حمایت پایداری، احمدی نژاد\_ مشایی یا اصولگرایان باشند.